

«چمر» آیینی باستانی و برآمده از تمدن عیلام

علی خوشتراش

■ در دنیسای امروز بحث پیدایش تمدن و دیرینه‌شناسی در باب تمدن‌ها تبدیل به یک دانش عظیم و درخور شده است و هر روز ممکن است اخباری مبنی بر پیدایش تمدنی باستانی‌تر در گوشه‌ای از دنیا منتشر شود، کم‌اینکه درباره تمدن شهر سوخته همین اتفاق افتاد. اما با همه این اتفاقات هنوز هیچ تمدنی نتوانسته است جای تمدن‌هایی چون بین‌النهرین و عیلام را این بگیرد، البته این موضوع دلایل محکم تاریخی و علمی دارد؛ زیرا انسان امروزی نتوانسته است به نشانه‌های تمدن، بسیار دیرینه‌ای دست پیدا کند اما هیچ‌کدام آنها نتوانسته‌اند به اندازه تمدن‌های یاد شده در تدلوم تاریخی و زندگی بشری تأثیرگذار باشند

آیین «چَمَر» بی‌شک یکی از باستانی‌ترین آیین‌های برجای مانده در سرزمین ایران و به احتمال بسیار زیاد برآمده از تمدن باستانی «عیلام» است که تاکنون مورخان، اسطوره شناسان، آیین‌پژوهان و… نتوانسته‌اند درباره آن به یک نظر جمعی و علمی قابل قبول و مشترکی دست پیدا کنند و هنوز معنای این واژه باستانی بر همگان پوشیده مانده است. داوود فتحعلی‌پهنگی، کارگردان و صاحب‌نظر در عرصه نمایش‌های آیینی در گفت‌وگویی با جلال ستاری اسطوره شناس، آیین چمر را باز مانده‌ای از آیین‌های باستانی معرفی می‌کند و می‌گوید: اینها جزو مراسمی است که در منطقه لرستان و آن جاها وجود دارد و جالب اینجاست که وقتی بازمی‌گردیم به مراسم که در بین‌النهرین و آن جاها اتفاق می‌افتاده، از لحاظ جغرافیایی به این مراسم بسیار نزدیک است.

او در ادامه یادآور می‌شود: البته بعضی‌ها هم این مراسم را شبیه سوگ سیاوش دانسته‌اند یا امثال این و حتی اگر اشتباه نکنیم در سوگ سیاوش، اسب سیاهی می‌آورند که به نظر می‌رسد که شبیه چمر باشد و این را از آن گرفته باشند.

درخصوص وجه تسمیه «چمر» هم بیشتر به فرهنگ‌ها استناد می‌کنند که البته به نظر می‌رسد چندان قابل استناد نباشند. در فرهنگ مردوخ به معنای دایره، حلقه و (چمه‌سَری) دهل عزاء، در لغت‌نامه دهخدا به معنی آشکار و ظاهر و در فرهنگ عمید به معنای محیط، دایره و هر چیز دایره مانند و معانی دیگری مانند (چمه‌ره)، یعنی (چشم به راه) یا (چم و چمان) به معنای خم و خم شدن نیز تعبیر شده است، البته آنچه از جنس این آیین و معنی پیش واژه چمر بی‌آید، باید به معنای روان نیز در این مورد توجه داشت. در مناطق روستایی و عشیرهای استان ایلام «چمر» نوای غمباری است که در سوگ عزیزان از دست رفته نواخته می‌شود، این مراسم در سه هنگام برگزار می‌شود: هنگام نزع، تدفین و سوگواری. این مراسم خاص مردان و خانواده‌های مرفه است.

برای اجرای مراسم جایگاهی را تعیین می‌کنند که به «چمرگاه» معروف است. با بالا آمدن آفتاب و به نوا درآمن سسرنوا و دهل نوای چمری آغاز می‌شود. بعد از صاف‌بستن و قرار گرفتن علم و کتل‌ها در قسمت‌های مختلف صف، «بَوش»‌ها و «راوکر»‌ها یا همسران مرتبه‌خوانی با نوایی مانند هُوق آغاز می‌کنند.

شرکت‌کنندگان با لباس تیره وارد چمرگاه می‌شوند وهر کدام به زعم خود و بنا به رسم رایج، بخشی از مایحتاج مراسم را که اغلب مربوط به خورد و خوراک می‌شود به همراه می‌آورند. نمایش چمر از چند صف، شامل صف زنان، صف مردان و زنان مویه خوان و نوازندگان ساز و دهل و گروه شاعران محلی که به آنها «شِپها» و «روکرها» گفته می‌شود تشکیل می‌شود که هر کدام به طور منظم و در جایگاه مخصوص خود قرار می‌گیرد.

با بالا آمدن آفتاب و به نوا در آمدن سسرنوا و دهل در میدان چمرگاه، بستگان و اقوام صاحب عزا دور هم جمع شده و در دو صف جداگانه زن و مرد روی خطی دایره‌وار در چمرگاه صف می‌بندند. نخست مردان صف بسته و علم‌ها و کتل‌ها را در قسمت‌های مختلف صف جای می‌دهند، سپس زنان در انتهای صف مردان، صف بسته و پارچه‌ای سیاه را جلوی خود می‌گیرند و سپس (ایشها و روکرها) در چند دسته چهار تا شش نفری و معمولاً در دسته‌های مختلف به همراه نوازندگان موسیقی که آلات‌شان دهل و سرنااست به سرودن شعرهای فی‌الدباه در رثای متوفی می‌پردازند. همسران ضمن سرودن همزمان شعرشان به همراه نوازندگان دهل و سرنا و به آرامی حول میدانی دایره‌شکل که صفوف فشرده مردان و زنان میهمان آن را احاطه کردند به حرکت درمی‌آیند. در وسط میدان با تیرهای چوبی کوتاه، سسکویی ایجاد می‌کنند که به کتل معروف است که البته، تفنگ، قطار و عکس متوفی را روی آن نصب می‌کنند. اسب متوفی را نیز با پارچه تزئین و تفنگ صاحبش را بر روی زین آن قرار می‌دهند. همسران یا این نساوا جلوی صف گذشته و با رسیدن به پایان صف به آرامی بازمی‌گردند و این کار تکرار می‌شود. این مراسم تا نیمروز ادامه می‌یابد.

استانداردهای معماری سبز در ایران رعایت نمی‌شود

علی خوشتراش

خونه باید سبز باشه

صدر ا محقق

در ایران هیچ خانه‌ای سبز نیست، بر اساس استانداردهای جهانی به خانه‌هایی که در ساخت آنها از مصالح غیرمضر برای محیط زیست استفاده شود و از منابع انرژی غیرفسیلی مانند انرژی خورشیدی و باد استفاده کنند خانه‌های سبز گفته می‌شود. داشتن هویت بومی، ایمنی در برابر حوادث و زلزله، هزینه پایین ساخت و راحتی و مناسب‌بودن از دیگر مولفه‌های این خانه‌ها محسوب‌می‌شود.

بر این اساس گفته می‌شود هچ بنا و ساختمانی که مطابق با این استانداردها باشد در ایران ساخته نمی‌شود، این نکته را کارشناسان نیز تأیید می‌کنند. اگرچه برخی، معماری قدیمی ایرانی به ویژه در شهرهای یزد و کاشان را جزو اولین نمونه ساختمان‌های سبز و استاندارد می‌دانند، اما آن هنر معماری گذشته در ایران دوام و قوامی نداشت و حالا هیچ ایرانی در خانه‌ای سبز زندگی نمی‌کند.

سازان افتخارزاده عضو هیات رییس‌ه گروه تخصصی معماری سازمان نظام مهندسی و سردبیر ماهنامه معماری و ساختمان در این‌باره به «شرق» می‌گوید: معماری پایدار و ساختن بناهایی با استانداردهای سبز و محیط‌زستی در دوران جدید را ابتدا معمارانی از انگلستان و ایتالیا مطرح کردند و جالب اینکه الگوهای آنها برای معرفی نیز بناهای ایرانی در یزد و کاشان بود، اما در کشور خودمان به جرات می‌توان گفت از زمان پایان یافتن رونق دوره معماری سنتی ایرانی، هیچ خانه سبزی در کشور ساخته نشده است.

افتخارزاده می‌افزاید: البته در ساختن بناهایی مبتنی بر این استانداردها نیز در میان برخی از دوست‌داران محیط‌زیست و معماران، اختلاف نظر است، چرا که استفاده از برخی مصالح بر اساس تعاریف سبز، در نهایت به محیط‌زیست آسیب وارد می‌کند مانند چوب، آجر و گچ که لازمه‌دست‌یافتن به آنها‌دست‌بردن در طبیعت و تخریب آن

است البته برخی از تولیدکنندگان مصالح و سرمایه‌گذاران این عرصه نیز با سوءاستفاده از این وضعیت تلاش می‌کنند فروش خود را بالا ببرند، مانند یونولیت‌های سفید رنگی که جدیداً به عنوان عایق حرارتی در ساختمان‌سازی به کار می‌رود، اما چون از مواد پلاستیکی و غیرقابل تجزیه ساخته شده‌اند در نهایت مخرب محیط‌زیست هستند و همچنین در زمان آتش‌سوزی می‌توانند برای ساختمان بسیار خطرآفرین باشند. این عضو سازمان نظام مهندسی همچنین با اشاره به آلومینیوم‌پل‌هایی که مدتی است

در نماسازی ساختمان‌ها در ایران مرسوم شده، می‌گوید: سازندگان این مصالح هم ادعای سبزبودن آلومینیوم‌پنل را دارند، اما برای ساخت آنها انرژی بسیار زیادی صرف می‌شود و آسیب‌های دیگری نیز دارند به شکلی که سال‌هاست به کارگیری آنها در معماری از سوی اتحادیه اروپا ممنوع شده است.

دو سال پیش از سوی سازمان نظام مهندسی ساختمان استان‌ها اعلام شد با همکاری شهرهای‌را و سازمان‌های مسکن و شهرسازی و به

منظور ترویج الگوی صحیح مصرف و صرفه‌جویی انرژی؛ ۱۹ مقررات ملی ساختمان در رابطه با «خانه سبز» آمده است: «کشور ما در بهره‌گیری از انرژی‌های نو به ویژه انرژی خورشیدی، فرصت‌های خوبی دارد، بنابراین باید ساخت و سازها با گرایش به بهره‌گیری از انرژی خورشیدی و تأمین انرژی گرمایشی، در دستور کار قرار گیرند.» با وجود آنکه براساس پارامترهای هوشناسی، کشور ایران از جمله کشورهای خشک و نیمه‌خشک است و آمارهای اعلام شده

محیط‌زیست

در طول یک سال نشان می‌دهند که اکثر نقاط کشور بیش از ۸۰ درصد روزها تابش آفتاب را دارد اما استفاده از انرژی خورشیدی برای تولید برق و گرما به هیچ‌وجه مرسوم نشده است.

ناصر کرمی کارشناس محیط‌زیست نیز در این‌باره به «شرق» می‌گوید: قوانین زیست‌محیطی در هیچ جای ایران رعایت نمی‌شود. در بخش ساختمان‌سازی نیز توجه به این مساله وجود ندارد و برای سازندگان ساختمان‌ها تعریف نشده است، هیچ کدام از مولفه‌های ساخت خانه‌های سبز

در ایران رعایت نمی‌شود. بنا بر آمار شهرداری‌های کشور ۷۰ درصد خانه‌های شهری، ساختمان‌های فرسوده آکند هستند، مسکن در ایران گران‌ترین و بی‌کیفیت‌ترین

کالاست، در صورتی که در کشورهای پیشرفته‌ای مانند آمریکا و مازنی می‌توان با یک سوم هزینه ایران بهترین و استانداردترین خانه‌ها را خرید. به اعتقاد من در کشور ما هنوز ساخت بناهایی که امنیت جانی مردم را حفظ کنند به درستی رعایت نمی‌شود و به همین دلیل

ساخت خانه‌های سبز فعلاً دور از دسترس و ناشدنی است. مقصر اصلی این وضعیت نیز شهرداری‌ها و وزارت مسکن هستند. کرمی می‌گوید: الان پیمانکاران چینی در بسیاری از کشورهای اروپایی پروژه‌های پنج هزار واحدی ساختمان‌های استاندارد و مطابق با این‌گونه استانداردها را با ۵۰ سال ضمانت و هزینه ۲۰۰ هزار تومان برای هر مترمربع در شش ماه می‌سازند، اما در ایران سازندگان، یک مجتمع ۵۰ واحدی را در بیش از شش سال و به شکل غیراستاندارد و با بالاترین هزینه‌های‌سازند.



عکس: مهدی حسینی، شرق

با این حال استفاده از معماری پایدار و سبز در دنیا روز به روز مشتریان بیشتری پیدا می‌کند. براساس یک پروژه تحقیقاتی با عنوان «خانه‌سازی یادوام در اروپا» (SHE) در اتحادیه اروپا که در کشورهای دانمارک، ایتالیا، پرتغال و فرانسه در حال اجراست، خانه‌هایی ساخته می‌شود که بر اساس همه استانداردهای معماری پایدار و سبز بنا می‌شوند. این خانه‌ها، نیاز به انرژی را تا ۷۰ درصد و همچنین هزینه‌های گرمایش را با استفاده از انرژی خورشیدی به یک چهارم وضع کنونی کاهش می‌دهند. این در حالی است که در کشورهای اروپایی روزهایی که آسمان صاف و بی‌ابر است و آفتاب می‌تابد بسیار کمتر از ایران است. در این پروژه بر روی خانه‌ها باتری‌های خورشیدی نصب می‌شود که برای تأمین انرژی مورد نیاز روشنایی بیرون، روشنایی متعارف خانه و همین‌طور سرویس بهداشتی استفاده می‌شود.

گیتی اعتماد معمار و عضو انجمن شهرسازان ایران نیز به «شرق» می‌گوید: معماری پیشین ایران مانند آنچه هنوز بقایای آن در یزد دیده می‌شود، دقیقاً مبتنی بر مولفه‌های معماری سبز بوده است. در این خانه‌ها معماران بهترین استفاده را از باد، آب و آفتاب می‌کردند، اما در دوران جدید هیچ کدام از این مولفه‌ها رعایت نمی‌شود. مساله اصلی نیز در میزان استفاده از انرژی است، اما بیشتر مصالح به کار رفته در ساختمان‌های جدید ایرانی که شیشه، فلز و سنگ است به مساله تبادل حرارتی که انرژی زیادی را تلف می‌کند توجهی نمی‌شود.

منابع انرژی جهان محدود است، بسیاری از کشورهای دنیا نیز تلاش می‌کنند مصرف انرژی را در بخش‌های مختلف به حداقل برسانند. با وجود پیشینه سبز ایران در معماری اما به گفته کارشناسان آنچه این روزها به اسم معماری در شهرها و روستاهای کشور خانه‌سازی می‌کنند هیچ سنسختی با معماری پایدار و سبز ندارد. در ایران ساختمان‌ها هم به محیط‌زیست آسیب می‌زنند.

مهرگان؛ جشنی برای سپاس از طبیعت

حسین زندی

آن دوستی جان است و گویند که مهر، نام آفتاب است و چون در این روز آفتاب برای اهل عالم پیدا شد این است که این روز را مهرگان گویند. نیز گفته‌اند در این روز فرشتگان برای باری فریدون آمدند.»

باز می‌نویسد: «ما آن دسته ایرانیان که به تاویل قابل‌اند برای این قبیل مطالب تاویل قایل می‌شوند و مهرگان را دلیل بر قیامت و آخر عالم می‌دانند به این دلیل که هرچیزی که دارای نمو باشد در این روز به منتهای نمو خود می‌رسد و مواد نمو از آن منقطع می‌شود و حیوان در این روز از تناسل باز می‌ماند چنان که نوروز را. آنچه در مهرگان گفته شد بعکس است و آن را آغاز عالم می‌دانند و برخی مهرگان را بر نوروز تفضیل داده‌اند چنان که پاییز را به بهار برتری داده‌اند.»

این اشاره‌ها نشان از قدمت و اهمیت مهرگان در ایران دارد. در گذشته مهرگان خارج از حوزه فرهنگی ایران بر گزار می‌شد که مورخان غربی بدان اشاره کرده‌اند و از تأثیر این جشن همان بس که اعراب معرب واژه مهرگان (مهرجان) را معادل واژه جشن قرار داده‌اند و بر گزاری هر جشنی را مهرجان می‌گویند.

امروزه این جشن در مهر روز از ماه مهر در بین زرتشتیان برگزار می‌شود اما در بین باورمندان دیگر ادیان ایرانی این جشن به گونه‌ای دیگر پدیدار شده است. جشن انگور در ارومیه، تاکستان، ملایر و چند شهر دیگر بر گزار می‌شود. همچنین جشن گندم که تقریباً در بیشتر مناطقی که گندم کشت می‌شود، بر گزار می‌شود. حتی مراسم‌های آیینی مانند قالیشوایان و جشن انار از یادگارهای مهرگان است.

یکی از نشانه‌ها و ویژگی‌های جشن‌های ایرانی در کنار شادمانگی، همراه بودن با هدایا، خوراکی و نعمات است. این هدایا بیش‌تر محصولات کشاورزی است به همین سبب گفته می‌شود ریشه اغلب این جشن‌ها دهقانی است. سیستم کشاورزی و دامپروری در این آیین‌ها تأثیر بسیار گذاشته است و بالعکس این جشن نیز تأثیراتی بر نحوه زندگی، کشاورزی و کار مردمان داشته است. در پایان فصل برداشت، کشاورزان برای سپاس از برکتی که طبیعت در اختیار آنان قرار داده جشن می‌گیرند و در مقابل این جشن‌ها را مایه برکت و فراخی نعمت می‌دانند.

دلیل به وجود آمدن مهرگان را آفرینش، بر تخت نشستن فریدون و پیروزی بر ضحاک، تاجگذاری اردشیر، جشن برداشت و جشن دوستی و پیمان ذکر کرده‌اند. امروز نیز می‌توان از دیگر خصوصیات این جشن بهره برد و با دلی سرشار از امید و جامعه‌ای ارغوانی به دور سفره مهرگانی حلقه زد و با همگرایی به دور از افسردگی، کینه و عداوت پیمان صلح و دوستی بست و دست‌افشان و پای کوبان نغمه مهرگانی سرود.

خانه‌های سبز؛ رویایی که می‌تواند به حقیقت بدل شود

محمد درویش

■ چندی پیش، حسین امیری خامکاتی، یکی از اعضای کمیسیون انرژی مجلس شورای اسلامی و نماینده یزد و کوهرنگ با صراحت و تاسف فاش کرد که ایرانیان امروز برابر یک میلیارد نفر از مردم جهان انرژی مصرف می‌کنند. او به این هم بسنده نکرد و اضافه کرد: هم‌اکنون هرایرانسی به اندازه ۱۷ ژاِبی انرژی مصرف می‌کند. با این وجود، آنچه که این نماینده مجلس فراموش کرد تاباز گوید، آن بود که چرا اگر عیار مصرف در ایران این‌گونه بالاست، عیار کیفیت زندگی اغلب ایرانیان حتی به یک هفتم ژاِبی‌ها هم نمی‌رسد! می‌رسد؟

اندکی قبل‌تر، سودابه پاک‌نژاد، کارشناس و مسوول دفتر مدیریت مصرف شرکت تأثیر با اعلام اینکه مصارف برق خانگی در ایران ۲/۵ برابر متوسط جهانی است، عنوان کرد: «مصرف انرژی در ساختمان‌های ایران شش برابر منازل مشابه در اروپاست. واقعیتی که سبب شده تنها ۲۴ کشور در جهان یافت شوند که بیش از ایران برق مصرف می‌کنند.»

آخرین ضربه را رییس انجمن بهینه‌سازی مصرف انرژی وارد کرد! آنجا که در گفت‌وگو با «ادیو اقتصاد» گفت: «طی برآوردی که با احتساب قیمت متوسط سوخت به عمل آمده، هر واحد مسکونی در طول یک سال به طور متوسط یک تا ۱/۵ میلیون تومان هدررفت انرژی دارد که با توجه به ۱۷ میلیون واحد مسکونی موجود در کشور حدود ۲۰ تا ۲۵ میلیارد دلار هدررفت انرژی در واحدهای مسکونی داریم. ایشان میزان مصرف انرژی کل کشور را ۱۰۰ میلیارد دلار ذکر کرد که از این مقدار، حدود ۳۸ میلیارد دلار به حوزه مسکن، ۳۸ میلیارد دلار به حوزه صنعت و مابقی به حوزه صنایع خودرو و امور متفرقه اختصاص دارد. یعنی بیش از نیمی از سرمایه‌ای که برای تأمین انرژی در منازل هزینه می‌شود، عملاً بدون استفاده به هدر می‌رود.

در چنین شرایطی، کمیته انتشار از دولتمردان، برنامه‌ریزان و کلان‌گران کشور آن است که خیلی بیشتر از دیگر مردم و دولت‌های جهان (حالا نمی‌گویم ۱۷ برابر ژاِبی‌ها) برای ارتقای راندمان مصرف انرژی در ساختمان‌ها تلاش کنند. به‌ویژه اگر بدانیم که خوشبختانه در طول یک دهه اخیر تا چه اندازه موضوع ساخت خانه‌های سبز در جهان جدی گرفته شده و هرروز گام بلندتری به سوی ساخت بناهایی برداشته می‌شود که عملاً میزان پرت انرژی در آنها



به صفر میل می‌کند. به عنوان مثال، آنچه مهندسان و طراحان هلندی برای کره‌جنوبی در ساخت شهرک سبز و دوستدار محیط‌زیست در نظر گرفته‌اند، یکی از بارزترین نمونه‌های این ایده است.

این شهرک کوچک که ظرفیت اسکان بیش از ۱۰ هزار نفر را دارد تا پایان امسال قرار است که به بهره‌برداری برسد. در این شهر به‌جز استفاده از توربین‌های بادی و صفحات خورشیدی برای جذب هرچه بیشتر انرژی‌های پاک بادی و خورشیدی، از پوشش‌های سبز گیاهی به منظور تبخیر هرچه بهتر هوای شهرک استفاده می‌شود.

همچنین در سال ۲۰۰۷ نمایندگان مجلس عوام در انگلستان طرحی را به تصویب رساندند که به موجب آن، ساخت خانه‌هایی طی یک دهه آینده در دستور کار قرار گیرد که میزان مصرف کربن آنها صفر باشد. یعنی این خانه‌ها باید به نحوی طراحی و ساخته شوند تا همان اندازه که انرژی مصرف می‌کنند، بتوانند انرژی هم تولید کنند. خانه‌هایی که به نسبت دیگر هم‌تایان‌شان، خریداران را از معافیت‌های مالیاتی بیشتری هم‌بهرمند کنند.

از سوی دیگر اینکه چند سال است که وزارت انرژی ایالات متحده آمریکا، مسابقاتی را با عنوان: مسابقه ده‌گانه خورشیدی آغاز کرده است؛ مسابقاتی که سبب شده به‌طور متوسط قیمت تمام شده یک خانه مسکونی سبز از ۶۰۰ هزار دلار به ۳۰۰ هزار دلار کاهش یابد و هرروز سرمایه‌گذاری و پژوهش در این بخش از رونق بیشتری بهره‌مند شود.

در تحوی دیگر، انرژی‌های می‌کشوند تا با ترویج ساخت خانه‌های سبز موسوم به پروژه SUME در طول ۴۰ سال آینده هزینه‌ها را تا ۸۰ درصد کاهش دهند.

کلام آخر آنکه اگر قرار است بتوان هنوز رویایی برای بهرمندی از یک زندگی باکیفیت همراه با محیط‌زیستی سالم و بانشاط را در وطن عملی کرد، بی‌شک راه تحقق این رویا از بین آزادراهی عبور می‌کند که در دو طرفش خانه‌های سبز طراحی و ساخته شده‌اند.

به امید آنکه مسوولان ذی‌ربط در وزارت‌های نیرو، مسکن و راه‌سازی، کشور و معاونت فناوری ریاست جمهور بتوانند هرچه زودتر با همراهی نمایندگان عضو کمیسیون عمران مجلس شورای اسلامی، سازوکار لازم برای تشویق ساخت چنین منزلی را در وطن فراهم آورند.